



اسلام زن و مرد را در بعد الهی و انسانی کاملاً برابر می‌داند؛ ملاک برتری، تنها ایمان و عمل صالح است نه جنسیت. قرآن در آیاتی همچون آیه ۹۷ نحل و به‌ویژه آیه ۳۵ احزاب، این برابری معنوی را با صراحت اعلام می‌کند. زن مسلمان از استقلال کامل علمی و اقتصادی برخوردار است و تفاوت‌های تکلیفی، ناشی از حکمت الهی و تفاوت‌های طبیعی است نه نقص کرامت. حضرت زهراعلیها السلام به‌عنوان اسوه حسنه برای تمام بشریت، تجلی کامل عبودیت، ایثار، انفاق، کرامات الهی و تربیت فاطمی است که فرزندانش مسیر تاریخ را دگرگون ساختند.

حجت‌الاسلام والمسلمین صادقی، استاد سطوح عالی قم، در مصاحبه اختصاصی با هفته‌نامه «افق حوزه»، به بررسی «هویت و کرامت زن در اسلام» پرداخت که مشروح آن بدین شرح می‌باشد:

در ادامه بحث هویت و کرامت زن در اسلام، به نکته سوم می‌پردازیم که موضوع آن برابری کامل زن و مرد در ابعاد وجودی و مسیر تکامل الهی است. دانشمندان، انسان را دارای سه بُعد اصلی می‌دانند:

- بعد الهی و انسانی: مسیر قرب به خدا، معنویت، ایمان و تکامل روح؛
- بعد فرهنگی و علمی: کسب دانش، تربیت و ارتقای فکری؛
- بعد معیشتی و اقتصادی: کسب و کار، اقتصاد و تأمین زندگی.

در جهان‌بینی وایدنولوژی اسلام، زن و مرد در بُعد اول، یعنی بعد الهی و انسانی، کاملاً برابر و یکسان هستند.

خطابات قرآن کریم نه خطاب به جنسیت، بلکه خطاب به انسانیت است. پیمودن مسیر قرب الی الله و کمال، بدون هیچ تفاوتی بر روی هر دو جنس باز است. در این مسیر، زن و مرد کاملاً مساوی و برابرند.

قرآن کریم در آیه شریفه تأکید می‌کند:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (نحل، ۹۷)؛ هر کس از مرد و زن کار نیکی به‌شرط ایمان به خدا بجای آرد، ما او را به زندگانی خوش و با سعادت زنده ابد می‌گردانیم و اجری بسیار بهتر از عمل نیکی که می‌کردند به آنان عطا می‌کنیم.»

در این زمینه حداقل دو آیه دیگر با همین مضمون در قرآن وجود دارد. این آیات تصریح می‌کنند که ملاک برتری، ایمان و عمل صالح است، نه جنسیت.

- تجلی برابری در سوره احزاب**

در سوره احزاب، آیه ۳۵، خداوند متعال در یازده خصلت ممتاز اخلاقی و عبادی، زن و مرد را در کنار یکدیگر می‌آورد و پاداش یکسانی برای آن‌ها تعیین می‌کند:

﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّانِعِينَ وَالصَّانِعَاتِ وَالْحَافِظِينَ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ (سوره احزاب، آیه ۳۵).

این آیه، یازده صفت (از مسلم بودن تا ذاکر بودن) را برای مردان و زنان به‌صورت زوجی و متساوی بیان می‌کند و در پایان، وعده مغفرت و پاداشی بزرگ را برای همه آن‌ها تأکید می‌کند. این نهایت برابری در ارزش‌های معنوی است.

نمونه تاریخی: اکرام پیامبرصلی الله علیه و آله به شیما (سعدیه) این دیدگاه الهی درباره کرامت زن، در عمل و سیره پیامبرصلی الله علیه و آله نیز آشکار بود. پیامبر اکرمصلی الله علیه و آله تا سن پنج سالگی در صحرا و نزد قبیله بنی‌سعد بزرگ شدند. خواهر رضاعی ایشان، شیما (شیماء) سعدیه که کمی از آن حضرت بزرگتر بود، پیامبر را در کودکی نوازش می‌کرد و با خواندن اشعاری بلند و با محتوا، برای آینده درخشان ایشان دعا می‌کرد:

يَا رَبَّنَا اُنِّقْ لَنَا مُحَمَّدًا حَتَّىٰ أَرَاهُ يَأْفَعًا وَأَمْرًا

برابری کامل زن و مرد

در ابعاد وجودی

و مسیر تکامل الهی

در نگاه اسلام

گفتاری از حجت‌الاسلام والمسلمین یحیی صادقی مازندرانی | **بخش دوم** |

جسمانی و روانی موجود میان زن و مرد و همچنین به‌منظور برداشتن بار مسئولیت و رسالت از دوش بانوان است؛ مسئولیت‌هایی که اسلام آن را بر عهده مردان گذاشته است.

- زهراى اطهرعلیها السلام: اسوه کامل انسانیت**

پس از تبیین کرامت زن در اسلام، به شخصیت و سیره حضرت زهراعلیها باز می‌گردیم. اولین و مهم‌ترین ویژگی حضرت زهراعلیها، مقام اسوه و الگوبودن ایشان است.

قرآن کریم برای تربیت و هدایت بشر، الگوهای عملی (اسوه) معرفی می‌کند؛ مانند حضرت ابراهیمعلیها و شخص رسول‌خداصلی الله علیه و آله. حضرت زهراعلیها نیز برای همه بشریت، الگوی کامل هستند.

- فاطمهعلیها السلام: اسوه امام عصرعلیه السلام**

شامخ‌ترین دلیل بر اسوه‌بودن ایشان، حدیثی است که از مولای عالم وجود، امام مهدیعلیه السلام نقل شده است: «إِنَّ لِي فِي آيَةِ رَسُولِ اللَّهِ أَشْوَءَ حَسَنَةً؛ (الغیبه، طوسی، ص ۲۸۶) دختر رسول‌خدا (فاطمهعلیها) برای من سرمشقی نیکو است». این عبارت یعنی حضرت زهراعلیها، نه فقط اسوه زنان، بلکه الگوی کامل بشریت، از جمله خود امام عصرعلیه السلام در قیام جهانی و حکومت جهانی‌شان هستند. زهراعلیها، اگرچه زن بود، اما مردانه ایستاد و برای احقاق حق امیرالمؤمنینعلیه السلام قیام کرد.

- عبودیت و بندگی مطلق؛ معیار افتخار**

نخستین بُعد از ابعاد سیره حضرت زهراعلیها، عبودیت و بندگی کامل خداست. ما در اسلام چیزی به‌نام «حریت مطلق» (آزادی بی‌قید و شرط) نداریم. کلمه کلیدی در منظومه فکری اسلام عبودیت است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات، ۵۶) این عبودیت، از هزاران آزادی بالاتر و برتر است. اگر در اسلام آزادی‌های مشروع (حریت) وجود دارد، این آزادی‌ها در چارچوب عبودیت گنجانده شده‌است و مصداقی از آن به‌شمار می‌آید. عبودیت پروردگار، بالاترین افتخار برای بشر و هدف خلقت است. امام علیعلیه السلام در نامه خود به امام حسن مجتبیعلیه السلام، به همین نکته اشاره کرده‌اند:

«وَأَكْرَمُ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ ذَنبَةٍ... وَلَا تُكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَتَدَّ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا؛ (نهج البلاغه، نامه ۳۱) نفس خود را از هر فرومایگی گرامی دار... و بنده دیگری مباش، درحالی‌که خدانودت آزاد آفریده است.»

منظور از این آزادی، همان آزادبودن از بندگی غیرخدا و قراگرفتن در بندگی مطلق حق است؛ زیرا بندگی خدا، عین آزادی از تمام قیدهای دنیااست: بندگی کن تا که سلطانت کنند

تن رها کن تا همه جانت کنند

- اوج عبودیت فاطمهعلیها السلام**

روایت است که هیچ‌کس در میان امت به‌اندازه فاطمهعلیها اهل عبادت نبود: «مَا كَانَ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَغْبَدُ مِنْ فَاطِمَةَعلیها كَأَنَّهَا تَقُومُ حَتَّى تَنْوَرَمَ قَدَمَاهَا؛ (مناقب، ج ۳، ص ۳۴۱) در این امت، عابدتر از فاطمه نبود. او آن‌قدر به نماز می‌ایستاد که پاهای نازنینش ورم می‌کرد.»

این نشان می‌دهد که تمام مفاهیم و ارزش‌های انسانی، در مفهوم عبادت و بندگی مطلق پروردگار خلاصه می‌شود. همچنین، عفت، حجاب و عفاف فاطمهعلیها از مصادیق مهم این عبودیت است.

- احسان، انفاق و کرامات صدیقه طاهرهعلیها السلام**

- ایثار در شب زفاف؛ بخشیدن لباس عروسی**

حضرت فاطمهعلیها توجه ویژه‌ای به صدقه‌دادن به فقرا و نیازمندان داشتند و هرگز سائلی را دست‌خالی از در خانه‌شان باز نمی‌گرداندد. بارزترین نمونه ایثار ایشان، بخشش لباس عروسی

در شب زفاف است.

نقل شده است: پیامبر اکرمصلی الله علیه و آله یک دست پیراهن نو به دخترشان داده بودند تا در شب عروسی بپوشد. هنگامی که مرکب عروس رهنسپار خانه حضرت علیعلیه بود، زن فقیری در راه، اظهار احتیاج نمود. حضرت فاطمهعلیها که در آن زمان دو پیراهن داشتند (یکی کهنه و دیگری نو)، با الهام از آیه شریفه: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ؛ هرگز به نیکی دست نمی‌یابید و از نیکان نمی‌شوید، مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید، انفاق کنید﴾، بی‌درنگ پیراهن نو و لباس عروسی خود را از تن درآورده و به آن زن فقیر بخشیدند. (الوقایع والحوادث، ملبوی، ج۴، ص۱۸۶)

حضرت با این عمل، دیگری را بر خود مقدم داشت (ایثار) و با همان لباس معمولی به خانه شوهر رفت. این فداکاری و ایثار، سندی جاودانه در تاریخ کرامت انسانی است که نشان می‌دهد، برای اولیای الهی، تعهد به مبانی دینی حتی در حساس‌ترین لحظات زندگی (شب عروسی)، مقدم بر جلوه‌های دنیوی است.

- روایت قطیفه و مانده آسمانی**

این روایت تاریخی که در کتاب «سعدالسعود للنفس منضود» اثر سیدبن طاووسعلیه السلام نقل شده، دو بعد ایثار امیرالمؤمنینعلیه السلام و کرامت حضرت زهراعلیها را به تصویر می‌کشد: پادشاه حبشه (نجاشی) هدیه‌ای گران‌بها شامل یک قطیفه (پارچه) که با تار و پود طلا بافته شده بود، برای رسول‌خداصلی الله علیه و آله فرستاد. آن‌حضرت پس از نماز صبح، رو به مردم فرمودند: «لَأُعْطِيَهَا رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ؛ این قطیفه را به کسی خواهم داد که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند.» اصحاب پیامبرصلی الله علیه و آله گردن کشیدند؛ اما پیامبرصلی الله علیه و آله سراغ امیرالمؤمنینعلیه السلام را گرفتند: «أَتَيْنَ عَلِيًّا؟ عَلَى كِجَاسْت؟» جناب عماریاسر به‌سرعت رفت و خبر داد. پس از حضور علیعلیه، پیامبرصلی الله علیه و آله قطیفه را به ایشان دادند و فرمودند: «أَنْتَ لَهَا؛ تو سزاوار آن هستی.»

- ایثار و انفاق امیرالمؤمنینعلیه السلام**

حضرت علیعلیه السلام آن قطیفه زربافت را در کمال بی‌اعتنایی به دنیا انفاق کردند: «فَخَرَجَ بِهَا إِلَى شَوْقِ الْمَدِينَةِ فَتَقَضَّيَهَا سِلْكًا سِلْكًا فَقَسَمَهَا فِي الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ؛ آن را به بازار مدینه بردند تا و پودش را جدا کردند و [پول] آن را میان مهاجران و انصار تقسیم نمودند.» ایشان با دستی خالی به خانه بازگشتند: «ثُمَّ رَجَعَ إِلَى مَنَزِلِهِ وَمَا مَعَهُ مِنْهَا دِينَارٌ؛ سپس به خانه‌اش بازگشت و هیچ دیناری از آن نزدش نماند.» هدف ایشان این بود که تمام سود حاصل از این هدیه گران‌بها، صرف فقرای مدینه، بنی‌هاشم و ارحام شود.

روز بعد، پیامبرصلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنینعلیه السلام فرمودند: «يَا أَيُّهَا الْحَسَنُ أَخَذْتَ أَمْسَ ثَلَاثَةَ آلَافٍ مِثْقَالٍ مِنْ ذَهَبٍ، فَأَنَا وَ الْمُهَاجِرُونَ وَ الْأَنْصَارُ نَتَعَدَّى غَدًا عِنْدَكَ؛ (ای ابوالحسن! دیروز سه هزار مهمان شما خواهیم بود). حضرت علیعلیه، درحالی‌که کاملاً می‌دانستند خانه خالی است، با شرمندگی پاسخ دادند: «نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ» (بله، ای رسول خدا!). فردای آن روز، پیامبرصلی الله علیه و آله با جمعی از اصحاب (حدود ۲۰ نفر) آمدند و در خانه را کوبیدند. حضرت علیعلیه از حیا و شرم عرق کرده بودند، زیرا «لَيْسَ فِي مَنَزِلِهِ قَلِيلٌ وَلَا كَثِيرٌ» (در خانه‌اش هیچ چیز کم و زیادی وجود نداشت).

- کرامت حضرت زهراعلیها و مانده آسمانی**

حضرت علیعلیه جریان را به حضرت زهراعلیها گفتند. روایت بیان می‌کند که حضرت زهراعلیها پس از وضو گرفتن و اقامه دو رکعت نماز، دعا کردند و

در پی آن، مانده آسمانی نازل شد. وقتی مهمانان وارد شدند، جفنه‌ای (کاسه بزرگی) را دیدند که «مَمْلُوءَةٌ تَرِيدًا عَلَيَّهَا عِرَاقٌ يُفُورُ مِنْهَا رِيحُ الْمِسْكِ الْأَذْفَرِ» (پر از ثرید [آبگوشت نان‌تبلیت شده] بود و بوی مشک خوشبو از آن به مشام می‌رسید.). کاسه آن‌قدر سنگین بود که امیرالمؤمنینعلیه السلام با تمام قدرتشان، به‌سختی آن را بلند کردند و حضرت فاطمهعلیه ایشان را یاری کردند تا غذا را جلوی پیامبرصلی الله علیه و آله گذاشتند. آن جمع ۲۰ نفره کاملاً سیر شدند.

پیامبرصلی الله علیه و آله که از خالی بودن خانه خبر داشتند، نزد دخترشان رفتند و پرسیدند: «أَنْتِ بُنَيَّةٌ أَلَيْ لَكَ هَذَا؟» (دخترم! این غذا از کجا برای شما آمده است؟). حضرت زهراعلیها پاسخ دادند: «هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُزَوِّقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (آن از نزد خداوند است؛ به راستی که خدا به هر کس بخواهد، بی حساب روزی می‌دهد.). اشک پیامبرصلی الله علیه و آله جاری شد و فرمودند: «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى رَأَيْتُ فِي ابْنَتِي مَا رَأَى زَكَرِيَّا فِي مِزْمَةٍ بَنَتْ عُمَرَانُ» (سیاس خدایی را که مرا از دنیا نبرد تا آن کرامتی را که زکریا در مریم دختر عمران دید، در دخترم زهراعلیها اظهار دیدم.). این روایت نشان‌دهنده اوج انفاق و احسان علیعلیه و کرامت و مقام معنوی حضرت زهراعلیها است.

- همسرداری و تربیت فاطمی: اسوه مادران**

در ادامه ابعاد سیره نورانی حضرت زهراعلیها، به مسئله مهم همسرداری، ادب فاطمی و نقش تربیتی ایشان می‌پردازیم.

- ادب در همسرداری و احترام به همسر**

حضرت زهراعلیها در طول زندگی مشترکشان باامیرالمؤمنین علیعلیه، بالاترین ادب و احترام را رعایت می‌کردند. از نشانه‌های این ادب عمیق، این بود که ایشان در تمام عمر، نام مبارک همسرشان را بر زبان جاری نکردند و ایشان را با کنیه «ابالحسن» مورد خطاب قرار می‌دادند. این رفتار، خود یک مکتب عملی در حوزه اخلاق خانواده و احترام متقابل است.

- تربیت فاطمی و میراث جهانی (شرح شعر اقبال لاهوری)**

مکتب تربیتی حضرت زهراعلیها موجب پرورش فرزندانی شد که هر یک، مسیر تاریخ اسلام و بشریت را تغییر دادند. اقبال لاهوری، شاعر و متفکر بزرگ مسلمان، در اشعار ماندگار خود، این عظمت را به بهترین نحو بیان می‌کند و مقام حضرت زهراعلیها را برتر از مریم مقدس می‌داند:

مریم از یک نسبت عیسی عزیز
از سه نسبت حضرت زهرا عزیز
نور چشم رحمة للعالمین
آن امام اولین و آخرین
آنکه جان در پیسرگیتی دمید
روزگار تازه آتین آفرید
بانوی آن تاجدار «اهل اتی»
مرتضی مشکل گشا شیر خدا
پادشاه و کلبه ئی ایوان او
یک حسام و یک زره سامان او
مادر آن مرکز پرگار عشق
مادر آن کاروان سالار عشق
آن یکی شمع شبستان حرم
حافظ جمعیت خیبرالامم
تا نشیند آتش پیکار و کین
پشت پا زد بر سرتاج و نگین
وان دگر مولای ابرار جهان
قوت بازوی احرار جهان
در نوای زندگی سوز از حسین
اهل حق حریت آموز از حسین
سیرت فرزندها از امهات
جوهر صدق و صفا از امهات

همان‌طور که شاعر اشاره می‌کند، حضرت زهراعلیها به مراتب از مریمعلیها برتر است. دلیل این برتری، تأیید خود پیامبرصلی الله علیه و آله است که فرمودند: فاطمهعلیها سیده نساء العالمین (سرور زنان عالم) است، من الاولین و الآخرين. یعنی ایشان نه تنها سرور زنان زمان خود، بلکه سرور تمام زنان از آغاز تا پایان خلقت هستند.

- پی‌نوشت**

۱. اهدیت إلی رسول الله ص
قطیفة منسوجة بالذهب اهداها له ملک الحبشة فقال رسول الله ص لأعطیها رجلا یحب الله و رسوله و یحبه الله و رسوله فمد أصحاب محمد رسول الله أعناقهم إلیها فقال رسول الله ص این علی قال عمار بن یاسر فلما سمعت ذلك وثبت حتی آتیت علیا ع فأخبرته فجاء فدفع رسول الله القطیفة إلی فقال أنت لها فخرج بها إلی سوق المدینة ففقتها سلکا سلکا فقسماها فی المهاجرین و الأنصار ثم رجع ع إلی منزله و ما معه منها دینار فلما کان من غد استقبله رسول الله ص فقال یا أبا الحسن أخذت أمس ثلاثة آلاف مِثقالٍ من ذهب فأنا و المهاجرون و الأنصار نتغدی فی المهاجرین و الأنصار حتی قروا الباب فخرج إلیهم و قد عرق من الحیاة و لأنّ لیس فی منزله قلیل و لا کثیر فدخل رسول الله ص و دخل المهاجرون و الأنصار حتی جلسوا و دخل علی و فاطمة فإذا هم بیجفنة مملوءة ثریدا علیها عرق یفور منها ریح المسک الأذفر فضرب علی ع یدیه علیها فلم یقدر علی حملها فاعزته فاطمة علی حملها حتی أخرجها فوضعا بین یدی رسول الله فدخل ص علی فاطمة فقال آی بنیة أئی لک هذا قالت یا أبت هو من عند الله إِنَّ اللَّهَ یُزَوِّقُ مَنْ یَشَاءُ بِغَیْرِ حِسَابٍ فقال رسول الله و الحمد له الذی لم یخرجنی من الدنیا حتی رأیت فی ابنتی ما رأى زکریا فی مریم بنت عمران فقالت فاطمة یا أبت انا خیر ام مریم فقال رسول الله أنت فی قومک و مریم فی قومها.
بقول علی بن موسی بن طاووس و روی فی هذا الجزء عقیب هذا الحدیث حدیث نزول الجفنة الإلهیة من خمس طرق غیر ما ذکرناه و ذکرها ایضا الزمخشري فی تفسیره المسمی بالکشاف و رویاه فی کتاب الطرائف من غیرهما و اعلم أنّ الذی وهب الله من المعرفة لهم به و العمل له و المبالغة و التطهیر لهم أعظم من هذا الجفنة عند أهل الإنصاف) (سعد السعود للنفس منضود، النص، ص: ۹۱)

تهیه و تنظیم: حمیدکریمی